



تهی کنند. اما مبارزه بی امان کارگران و مبارزان کمونیست و سوسیالیست به دولت و سرمایه داران اجازه نداده است که این خاموشی را تماما در روز جهانی کارگر هم بر اتحاد و همبستگی کارگران تحمیل کنند.

کمونیست هفتگی: اطلاعیه حزب حکمتیست در این مورد تاکید بر اجتماعات کارگری دارد؟ فرق این با آکسیونهایی که بسیاری از جریانها فراخوان میدهند چه است؟

اسد گلچینی: اول ماه مه روز تعطیل کردن کار و روز اجتماع صفحه ۲

تا با تبلیغات و سخنرانی های پر شور خود کارگران را بر سرنوشتی که سرمایه داری بر ما تحمیل کرده است آگاه کنند، به مبارزه طبقاتی که مهرش بر همه چیز زده شده است آگاه کنند و کارگران را از راه حل سوسیالیستی خود برای جامعه و در مبارزات روزانه در محل کار و در سطح جامعه آگاه کنند. سوسیالیستها در همه مناسبت ها و مراسم های این روز بر ضرورت اتحاد و مبارزه متشکل برای آزادی و برابری و سوسیالیسم تاکید دارند.

در سی و یک سال گذشته در ایران سنت تعطیلی کار و برگزاری جشن و مراسم های کارگران در اول ماه مه وجود داشته است و سرمایه داران همیشه در تلاش بوده اند تا تحت عناوین مختلف این روز را از کارگران بگیرند و یا آنها را منع کنند و دستگیر و زندانی و حتی اعدام کنند. دولت و سرمایه داران با نمایشات دولتی و کشاندن اجباری کارگران به آن به روز جهانی کارگر در اول ماه مه تن دادند اما به شیوه ای که انرا از محتوی

اول ماه مه روز اتحاد و اجتماع کارگران است

مصاحبه با اسد گلچینی

کمونیست هفتگی: مهمترین مسائلی که فعالین و رهبران کارگری به مناسبت اول ماه مه در نظر داشته باشند چه است؟

اسد گلچینی: توجه به اهمیت روز جهانی کارگر و مطلع کردن کارگران از آن، ضرورت اتحاد و همبستگی طبقاتی با کارگران جهان از طریق اجتماع کارگران، تلاش برای برداشتن موانعی که برای تجمع های کارگران در این روز میشود از مهمترین مسایل هستند که در فعالیت ها برای این روز باید در نظر داشت.

برای کارگران آگاه به مبارزه طبقاتی، اول ماه مه روز همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان است. روز جهانی کارگر بزرگداشت این همبستگی است و لازم است کارگران و تشکلهایشان در هر جا که هستند، بتوانند متحد در برابر طبقه سرمایه دار و دولتپاشان دست از کار بکشند و این روز را به روز اتحاد و آگاهی و روز جشن طبقاتی خود تبدیل کنند. روز کارگر فرصتی برای این کارها است و فعالین کارگری و کمونیستها در هر تجمعی حضور دارند و فعالیت میکنند



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۹ فروردین ۱۳۸۹
۱۸ آوریل ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

اول ماه مه و "انقلاب" جاری

جریانات مختلف جنبش سبز میگویند "انقلابی" در جریان است، که از خرداد ۸۸ شروع شده است، میگویند از لحظات رادیکال و تعیین کننده این "انقلاب" عاشورا، نماز جمعه به امامت رفسنجانی، روز قفس و مراسم دولتی در ۲۲ بهمن بوده است. میگویند اگر کارگران در این "انقلاب" شرکت میکردند در یکی از این مناسبتهای "انقلابی" کلک جناح احمدی نژاد را کنده بودند و "انقلاب" به پیروزی رسیده بود. اکنون تلاش میکنند اول ماه مه به مناسبتی دیگر از مناسبتهای انقلاب جاری تبدیل شود و یکی دیگر از حلقه های "انقلابی" و "تاریخی انقلاب" فوق باشد. سوالی که در مقابل کل این جریانات قرار دارد این است که آیا موفق میشوند اول ماه مه را هم به یکی دیگر از حلقه های این "انقلاب" تبدیل کنند؟ آیا میتوانند با مسخ انقلاب کارگری و اول ماه توجیه کارگر را به این "انقلاب" جلب کنند و آنها را زیر پرچم جنبش خود بکشانند؟

محمد فتاحی

اول ماه عاشر و نماز جمعه نیست!

جناح چپ جنبش سبز که نیروهای سیاسی با عناوین مختلف چپ را در بر میگیرد در اطلاعیه های متعدد خود به مناسبت اول ماه طبقه کارگر ایران را به ادامه راه سبز فراخوان داده اند. جنبش جاری، جنبش سرنگونی، انقلاب جاری،

بهرام مدرسی

اول ماه و صف جداگانه طبقه کارگر

"برای کارگران آگاه وظیفه ای مهمتر از **برک** جنبش طبقه خویش، ماهیت آن، هدف و وظایف آن، شرایط و شکل های عملی آن وجود ندارد. زیرا تمام نیروی جنبش کارگری بسته به درجه آگاهی و جنبه توده ای آن است؛ سرمایه داری در

جریان اصلی جنبش سبز در بازبینیهای دوره اخیر خود، یکی از نتایج به گل نشستن انقلابش را ناتوانی در جلب کارگران به زیر پرچم خود میداند. به همین دلیل در نقد این "نقص" در فکراند تا با اسم بردن از کارگر و تلاش برای "توجه بیشتر به طبقه کارگر

صفحه ۴

حزب حکمتیست

اول ماه مه، زنده باد همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران

صفحه ۵

را دارند. در دوره گذشته که این جنبش در تب و تاب خیابانی به سر می برد طبقه کارگر ایران متأسفانه یا خوشبختانه وقعی به آن ننهاد. اظهار تأسف از این رو که طبقه کارگر در مقابل جنبش طبقه متوسط ایران که خودآگاه ترین جنبش طبقه سرمایه دار هوادار غرب در ایران بود ساکت ماند. اظهار خوشحالی هم به این دلیل که علیرغم هر سکوتی، با عم شرکتش در این دعوی نو جناح طبقه حاکمه، فاصله خود با آنرا عملاً نشان همه داد. (البته من از این واقعیت تلخ میگذرم که بخشی از این طبقه در صفحه ۳

جنبش طبقه متوسطه، جنبش اصلاحات و مبارزات رهایی بخش خلق های ایران عناوین مورد علاقه این نیروها برای اشاره به حرکتی است که از کمپین های انتخاباتی ۲۲ خرداد شروع و بعد از دوره ای چند ماه فعلاً نوره تعطیلاتش را میگذراند. چپ هایی که بعدها به این جنبش پیوستند به اسم اینکه این یکی "رادیکال" و ادامه قبلی نیست ازجواب خود با سبز را مشروع جلوه دادند.

کل این اردو به زبان های مختلف سعی در کشاندن پای کارگر به این میدان بازی

هر قدم از تکامل خود بر شمار پرولترها یعنی کارگران مزدی میافزاید. آنها را متحد میکند، متشکل میسازد، فکرشان را روشن میکند و به این طریق نیرویی طبقاتی پدید میآورد که ناگزیر باید بسوی هدفهای خود پیش برود" (لنین- مدارک ایژکتیف درباره نیروهای جریلهای مختلف در جنبش کارگری)

این حکمی است که با اتکا به آن لنین و بلشویک ها میلیونها کارگر صنعتی را برای کسب قدرت سیاسی آماده ساختند. انقلاب سوسیالیستی اکثر آنها با اتکا به این خودآگاهی طبقه کارگر ممکن گشت.

خود آگاهی که مرز منافع متفاوت طبقه کارگر را با سایر طبقات و افشار اجتماعی دیگر میشناسد و منفعت این مبارزه قطب نمای هر تاکتیک و تصمیم اش است. اساسی ترین درس انقلاب اکبر برای طبقه کارگر ایران همین است. طبقه کارگر ایران ۹۴ سال پس از انقلاب اکبر هنوز منفعت جداگانه خود را با طبقات دیگر نمیشناسد. احزاب و جریانات سیاسی که خود را سوسیالیست و کمونیست مینامند طبقه کارگر و منفعت مبارزه او صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اول ماه مه روز اتحاد و اجتماع ...

کارگران است. چنانچه کارگران نتوانند کار را تعطیل کنند محیط کار را لازم است به محلی برای اجتماع کارگران حتی با دعوت خانواده هایشان تبدیل کنند. یا در محله و یا سالن های اجتماعات در کنار هم در مراسم های کوچک و بزرگ این اجتماعات وجود داشته باشد. مساله تجمع و جشن در محل کار البته که ساده نیست و بدون کشمکش نیست، کارفرما و دولت این روز را ظاهراً تعطیل اعلام کرده اند تا کارگران را به مراسم های خودشان ببرند و برای کارگران هم این مساله هست که روز جهانی کارگر را خودشان و بجز از دست درازی سرمایه داران و سرکوبگران هر روزه شان برگزار کنند. اما هر جا این ممکن شود و کارگران در محل کار هم تجمع خود را داشته باشند قدم مهمی برای تثبیت این روز و اتحاد خودشان برداشته اند. مساله این است که روز کارگر در اجتماعات معنی پیدا میکند و در این اجتماعات است که همه فعالین کارگری زن و مرد با هر گرایش و مرامی فرصت پیدا میکنند حرفهایشان را بزنند و صفوف خود را متحد تر کنند. ضرورت توجه به اجتماعات کارگران در این روز همین است و فراخوان به هر آکسیون و حرکتی که این را تامین نکرده باشد و نه تنها این بلکه مانع جدی برای این اجتماعات ایجاد کند ربطی به اهداف کارگران در این روز و ضرورت این روز ندارد. همیشه گرایش "خیابانی" در میان جریانهای سیاسی و فعالین کارگری وجود داشته است و از موانع فعلی هم است. روز جهانی کارگر در ایران بنا به توان سازمانیافتگی کارگران همیشه روز تجمع و جشن کارگران در محل کار، داخل سالن ها و محل کار و یا پارک ها بوده است و همیشه جنبه برجسته آن سخنرانی و بحث و ضرورت اتحاد و تشکل و تاکید بر حفظ این سنت بسیار مهم بوده است. این اجتماعات در دوران بسیار سیاه و خونین دهه ۶۰ بویژه در سنج و تهران در اجتماعات کوچک و بزرگ در جریان بود تا دهه ۷۰ و ۸۰ در بسیاری شهرها بویژه در سقز و تهران و سنج به همین شکل ادامه پیدا کرده است.

روز کارگر را اگر از دسترس طبقه کارگر و رهبران و فعالینش دور کنیم چیز دیگری حاصل میشود. همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی و کارفرما ها و همه دستگاه سرکوب اینها میخواهند که سر به تن کارگر آگاه و فعال و سازمانده اش نباشد. خوشبختانه

سطحی از سازمانیابی و مبارزه بدون وقفه ادامه داشته است و هیچگاه قادر به خاموش کردن آن نبوده اند و حتی نتوانستند خانه کارگر که همیشه ابزار دولتی و سرمایه داران بوده است را به ظرف اعتراض کارگر تبدیل کنند تا هر طور میخواهند مهارش کنند. پس اگر اینطور است روز کارگر روزی برای تمایلات و آرزوهای طبقه متوسط و بخشهای ناراضی سرمایه داران نیست که بخواهند اول ماه مه را به ادامه جنبش خود تبدیل کنند همانطور که روزی برای مقامات دولتی و سرکوبگران نیست. همینطور این روز در ادامه مبارزات ضد رژیم و آکسیونی ناراضیان دیگر نیست. اینها همه فکر میکنند که میتوانند اول ماه مه را به روزی در ادامه عاشر و ۲۲ بهمن و چهارشنبه سوری تبدیل کنند. این جریانها دقیقاً آن روی سکه ای هستند که طبقه کارگر را از روز همبستگی و آگاهی طبقاتی اش تهي میکنند. اگر در ایران طبقه کارگر قدرتمند و متشکلی میدانشیم و اگر تشکل های کارگری و احزاب سیاسی متعلق به این جنبش قدرت سازمانیابی داشتند آنگاه این کارگران بودند که تمام اقبال تهي دست را به صف خود فرامیخواند تا اول ماه مه را به روزی برای آگاهی و قدرتمند شدن بیشتر کارگران برای براندازی سرمایه داران و دولتشان تبدیل کنند. طبقه کارگر در چنین موقعیتی نیست و برای کارگران پیشرو حیاتی است که متوجه باشند آنچه نیروی آنها برای تعیین تکلیف در هر کشمکش سیاسی و طبقاتی در جامعه است نیروی خودشان است، نیروی متشکل و سازمانیافته خودشان است که آگاهانه بحرکت در میاید و نبض سرمایه داران را میتوانند بگیرد. این قدرت اگر سازمانیافته نیست و هزار مانع و مشکل پیش رو دارد باید راه چاره ای برای بیرون رفت از این وضعیت در روز جهانی کارگر هم جستجو کرد. هر نوع متکی شدن به نیروی "انقلاب" و "جنبش جاری" و "جنبش توده ها" تحت این عنوان که اگر پیروز شود کارگران هم به قدرت میرسند تئوری تبدیل کردن طبقه کارگر به بردگی بیشتر است. کارگران باید خشت روی خشت برا ساختن انقلاب کارگری و بهبود زندگی روزانه مبارزه کنند و اینهم تنها با نیرو و قدرت سازمانیافته در تشکل های یشان و رهبری حزبشان ممکن است.

ضرورت وجودی اول ماه مه چنین سازمانیابی مهم است. و دقیقاً منطبق بر وضعیت فعالین و تشکل های کارگری در ایران است که ما این کمیته ها را توصیه میکنیم که سابقه و نقش مهمی در تجربه کارگران در مراسم های این روز داشته است. کمیته های تدارک برگزاری اول ماه مه در هر کارگاه و کارخانه و محل های مسکونی کارگران و در سطح هر شهری و یا در سطح سراسری معنی میدهد. این کمیته ها مستقل از اینکه هر کارگری به چه مذهب و سیاست و ملیتی منتصب شده است به کارگر بعنوان عضوی از طبقه کارگر نگاه میکنند، کارگران را مستقل از تعصب های گروهی و سیاسی و صنفی و مذهبی و ملی متشکل میکنند. این کمیته ها در میان کارگران علنی است و معلوم است که این ۱۰ یا ۲۰ نفر و ... مسئول تدارک مراسم و جشن اول ماه مه هستند. کمیته های اول ماه مه با همفکری میتوانند همه جنبه های کار را در نظر بگیرند و تصمیم های درستی که منجر به برپایی هر چه باشکوه تر روز کارگر میشود را در هر موردی اتخاذ کنند. کمیته های تدارک برگزاری اول ماه مه در سطح سراسری هم میتوانند بسیار موثر باشند و سال گذشته نمونه برجسته ای از این در تهران و در میان ۱۰ گروه فعالین و تشکل های کارگری اتفاق افتاد.

کمونیست هفتگی: این تجربه کارگران در اول ماه مه ۸۸ چه نکات مهمی در بر داشت و برای سال ۸۹ به چه نکاتی در این تجربه باید توجه کرد؟

اسد گلچینی: برای اولین بار بود که در سطح سراسری در میان فعالین این تشکل ها این درجه از توافق و اتحاد در این روز دیده شد و این پیشرفت و گام مهمی بود. ضرورت داشتن کمیته تدارک برگزاری اول ماه مه در همین است. کارگران متحد در این روز خواستههایشان را بیان کردند و نوشتند اما قادر به تجمع نشدن و نیروهای امنیتی به آنها حمله کرد و بیش از ۱۵۰ نفر از این مبارزین کارگری شرکت کننده را دستگیر کردند. این تجربه حتماً از سوی تشکل ها و گروه های موجود بررسی و ارزیابی شده است اما آنچه من فکر میکنم باید به آن توجه داشت این است که برای بسیج و متحد کردن کارگران در هر محیط و در هر تشکلی بیشترین تلاش را باید کرد و به تجمع فعالین بسنده نکرد. داشتن آکسیونی در خیابان در چنین وضعیت هایی از سوی نمایندگان کارگران و با تعداد کمی از هر تشکلی کار درستی نیست. آکسیون خیابانی کارگران در روزی مثل روز کارگر بسیار حساب شده تر باید باشد چرا که میتواند

میل به تجمع و آکسیون خیابانی برای کارگران در اول ماه مه قبل از اینکه پشتوانه محکمتری ایجاد شده باشد میتواند موانع پیشرو برای فعالین و دست اندرکاران جنبش کارگری را افزایش دهد. کمیته های برگزار کننده تدارک اول ماه مه میتوانند با توجه به

این تجربه ضمن فعالیت گسترده در مثلا ۱۰ شهر و مرکز مهم کارگری در سطح ایران و محل هایی که تشکل ها و گروه های فعالین نفوذ دارند، تجمع برگزار کنند، و کارگران در این تجمع ها به سخنرانی بپردازند و قطعنامه هایشان را بدهند و ...

مساله دیگر سازماندهی جشن و مراسم کارگران در محل های کار و محله های مسکونی کارگران است. تصور کنید که اعضای در برگیرنده این کمیته قادر به برگزاری جشن و اجتماع با متوقف کردن دقیق و یا ساعتی از کار بشوند. در این اجتماعات ده ها فعال و آژیتاتور برای هم طبقه هایشان در مورد وضعیت این جامعه سرمایه داری و شرایطی که برای طبقه کارگر و فعالین و تشکل هایش وجود دارد آژیتاسیون کنند. آیا این به معنی قدرتمند بودن نیست و این به معنای ایجاد اتحاد بیشتر در میان کارگران نیست؟

کمونیست هفتگی: بخش اعظم احزاب و جریانهای سیاسی کارگران را به پیوستن به جنبش موجود فراخوانده اند، این فراخوانها تحت نام پیوستن به جنبش طبقه متوسط، پیوستن به جنبش موجود، به جنبش سبز و جنبش اعتراضی مردم و ... بیان شده است. چرا

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

اول مه ادامه عاشورا و ...

جنگ انتخاباتی پشت احمدی نژاد رفت.

سازمان ها و گروه های چپ هودار این جنبش که در آغاز کار نماز جمعه رفسنجنلی و عاشورا قرار بود آرزوهای دیرینه آنها را بر آورد، با افت جنبش شان به امید پیروزی "توده ها" در سالروز ۲۲ بهمن به صفوف خود روحیه دادند. با عقیم ماندن پیش بینی های این فالگیری های داهیانه، بعد از کمی سرگیجه، حالا مثل هر آدم در حال غرق شدنی بطور طبیعی هر تکه که چوب روان روی آب را وسیله نجاتی برای خود می بینند. به همین دلیل است که خوش فکرهای اینها بعدها چهارشنبه سوری و جشن های سنتی مردم در این روز را به عنوان حلقه ای در جنبش خود بینند. حالا که اول ماه مه میرسد انگار این روز هم از جنس چهارشنبه سوری و عاشورای حسینی و نماز جمعه رفسنجانی و مناسبت مرگ منتظری نفسی در جنبش خوشبختانه بی رمق اینها میمید. سایت اخبار روز کارگر را به پیوستن به جنبش طبقه متوسطه، سازمان اکثریت به جنبش جاری، حزب توده (و البته راه کارگر و بقیه سازمان های این سنت) به جنبش ضدنیکتاتوری و حزب کمونیست کارگری به انقلاب جاری فراخوان داده اند.

به نظر میرسد هیچ استدلالی اینها را قانع نمی کند که اول مه حرکتی در خدمت هیچ جنبش دیگری نیست. نه بخش پیگیر جنبش سرنگونی است، نه جناح کارگری جنبش جاری است، نه چرخ انقلاب طبقه متوسطه است، و نه پیکره ای از جنبش خلق های ایران. همه اینها و بقیه چپ ایران که مستقیم یا غیرمستقیم از جنبش سبز دفاع کرده و

پرچم سیاسی خود کردند، حق دارند همه را پشت جنبش مورد علاقه خود ببرند. اما معلوم نیست چرا کلاه جنبش اینها باید سرکارگر برود؟ در تمام یک سال گذشته لشکر جنبش سبز حتی یکبار و حتی از سر اشتباه اسمی از کارگر و مطالبات و زندانیان و اسیرانش نبرد. حتی تحت فشار جناح های "عاقل" ترشان برای جلب توجه کارگران هم حاضر نشدند مطالبات شان را جایی طرح کنند. علت روشن است. جنبش سبز نه برای گرفتن حق کارگر که برای تقسیم محصول استثمار او بین دو جناح طبقه حاکمه به میدان آمد. از این زاویه بطور طبیعی اسم بردن از کارگر و منافعش کمکی به "پروپی" و حق طلبی کارگر در فضای سیاسی امروز است.

از زوایه منافع طبقه کارگر هم قضیه به همین اندازه روشن است. اولاً اگر جنبش سبز متقالی عدالت و آزادیخواهی کارگری در درون خود دارد چرا به کارگر و جنبش او نمی پیوندند یا با آن اعلام همبستگی نمیکند؟ جنبش دانشجویان چپ در تمام دانشگاه های کشور در سالهای گذشته هر جا به میدان آمد خود را حامی جنبش کارگری اعلام کرد. اگر سبز یک ذره بویی از آزادیخواهی کارگری برده است چه مرگی داشت که در اوج قدرتش حتی اسمی از کارگر نبرد؟ پشت میلیون ها کارگر را بیکاری و فقر و فحشا و اعتیاد و استثمار وحشیانه خم کرده است، چرا جنبش سبز عین خیالش هم نبود؟ رهبر کارگری در زندان را میخواستند بکشند، چرا انقلاب جاری خفه خون گرفت؟ در مقابل پروپیانی که از موضع طبقه شکم سیر جامعه خطاب به کارگر سکوی موعظه را اشغال کرده و طبقه کارگر را سرزنش میکنند که چسبیدن به فقط مطالبات

هم که هنوز که هنوز است از درک و تشخیص ماهیت طبقاتی این جنبش ناتوان است، او را شلیسته است برود و در همان خیابان ها جانش را فدای جنگ آن لشکر کند. کارگری که دل به این جبهه خوش میکند و فداکاری برای آنرا وظیفه خود میدانند حق است برود و فدا شود.

در صفوف کارگران البته انواع گرایشات هست. از نظر کارگر کمونیست اما برای کسب آزادی و عدالت اجتماعی لازم نیست کارگر پشت هیچ جنبش دیگری برود. برعکس این جنبش های دیگر در جامعه اند که برای اثبات حقانیت آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود باید در اولین فرصت پشت کارگر به صف شده و برادری خود را ثابت کنند. کارگر کمونیست میدانند که تاریخ جامعه تاریخ جنگ طبقات است. در ایران امروز که یک قرن از عمر سرمایه داری در آن میگذرد، تعلق سیاسی طبقاتی بخش جدایی ناپذیر ذات و جوهره تمام جنبش هاست. همان اندازه که طبقه متوسطه مواظب پیشروی جنبش مستقل طبقاتی خویش است، کارگر هم از او می آموزد که برای دیگران سربازی نکند و مواظب باشد جنبش و تحرکاتش به نفع دیگران مصادره نشود. این حکم مانعیت در بیش از یکصد و پنجاه سال پیش است. امروز بعد از اینهمه تاریخ مملو از فداکاری برای جنبش های دیگران، پاسخ کارگر کمونیست به فراخوان وصل شدن به جنبشی که حتی اسمی از کارگر نمی برد فقط یک تودهنی سیاسی محکم است. و جواب امروز کارگر در اول مه به نمایندگان جناح چپ جنبش طبقه متوسطه همین است.

اول مه و صف جداگانه

را قربانی سمپاتی طبقاتیشان به جناح های مختلف طبقات حاکم در ایران میکنند. هنوز تمرکز بی سابقه ای که سازمان تولید در جمهوری اسلامی به کارگر صنعتی داده است، مبنای اتحاد برای عمل سیاسی مشترک در طبقه کارگر ایران نمیشود. هنوز سیاست های دولت بورژوازی ایران برای پراکنده نگاه داشتن کارگران، علیرغم تمرکز میلیونی شان در محیطهای صنعتی کارساز هستند. هنوز کارگران قراردادی، رسمی، غیر رسمی، بیمهکار و دولتی ضامن تفرقه کارگران در مراکز بزرگ صنعتی هستند. هنوز صف کارگران کمونیست چنان محکم نیست که مانع امید بستن به

نفرت عمومی از جمهوری اسلامی سر سوزنی از منافع متفاوت طبقه کارگر در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و کل نظام سرمایه داری و طبقه بورژوا در ایران کم نمیکند.

اول مه نه روز عمومی مردم، نه سبز و نه سیاه، نه روز مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و نه هیچ چیز دیگری جز روز طبقه کارگر برای شناختن منفعت متفاوت اش علیه منافع طبقات دیگر است. اول مه روز تاکید بر سازمان کمونیستی کارگران و نشان دادن ضرورت آن برای نجات از استثمار و کارمزدی و ساختن جامعه ای آزاد و سوسیالیستی.

مستضعف پروری احمدی نژاد بشود. هنوز صف کارگران کمونیست چنان محکم نیست که مانع نفوذ افکار سوسیال بورژواها بشود. کارگران کمونیست خود هنوز سازمان نیافته اند.

درجه تمرکز کارگران صنعتی در ایران را تنها میتوان با چین یا هونوستان مقایسه کرد. میلیون ها کارگر صنعتی در صنایع نفت، فولاد، خودرو سازی ها، پتروشیمی، معادن و خدمات عمومی و غیره را خود بورژوازی در سازمان تولید متشکل کرده است. بورژوازی دولتی و غیره دولتی برای استثمار نیروی کار ارزان طبقه کارگر در ایران و رقابت با سرمایه های دیگر، خود مجبور به سازمان دادن این درجه از تمرکز کارگران صنعتی در ایران شده اند. تنها است نزدیکتر میکند.

زنده باد سوسیالیسم

اول مه و "انقلاب"...

انقلاب کارگری به عنوان آلترناتیو طبقه کارگر در مقابل نظام مبتنی بر کار مزدی است. آنچه مسخ میشود خود اول مه به عنوان روز اعلام کيفرخواست طبقه کارگر چون یک طبقه جهانی علیه نظام سرمایه داری است. آنچه مسخ میشود خود طبقه کارگر به عنوان یک طبقه جهانی است که با کارگران جهان یک منفعت را دارد. آنچه مسخ میشود صف مستقل این طبقه و تمایز سیاسی و طبقاتی آن از طبقات دیگر است. با هر تفسیری که این "انقلابیون" از انقلاب سبز دارند، با هر ادعا و نامی که چپ بورژوازی بر خود گذاشته است و با هر پیشینه سیاسی و تاریخی که برای خود دارند، امروز همگی در تلاشند که طبقه کارگر را زیر پرچمی ببرند که از رفسنجانی، خاتمی، موسوی، گنجی، رهورد و سازگارا تا طبقه متوسط و تا احزاب و جریانات فوق را زیر یک سقف جمع کرده است. از نظر همگی این مهم است چون این تنها راه به پیروزی رسیدن انقلاب "ضد دیکتاتوری" راه کارگر و اکثریت، "انقلاب" در جریان حزب کمونیست کارگری، انقلاب سبز موسوی و انقلاب برای دموکراسی جمهوری خواهان است. طبق این جهت و بر مبنای چپ ترین مفسرین و احزاب مدافع این "انقلاب"، در اول مه کارگر کمونیست باید روی چهارپایه رفته و در اهمیت این "انقلاب" سخنرانی کند، باید طبقه کارگر را سرزنش کند که در لحظات حساس "انقلاب" جاری به نماز جمعه رفسنجانی و روز عاشورا و قفس رفته و امروز برای جبران این "کم کاری" و "تا هوشیاری" خود، اول مه را به عاشورا و نماز جمعه تبدیل کند.

انقلاب کارگری به عنوان آلترناتیو طبقه کارگر در مقابل نظام مبتنی بر کار مزدی است. آنچه مسخ میشود خود اول مه به عنوان روز اعلام کيفرخواست طبقه کارگر چون یک طبقه جهانی علیه نظام سرمایه داری است. آنچه مسخ میشود خود طبقه کارگر به عنوان یک طبقه جهانی است که با کارگران جهان یک منفعت را دارد. آنچه مسخ میشود صف مستقل این طبقه و تمایز سیاسی و طبقاتی آن از طبقات دیگر است. با هر تفسیری که این "انقلابیون" از انقلاب سبز دارند، با هر ادعا و نامی که چپ بورژوازی بر خود گذاشته است و با هر پیشینه سیاسی و تاریخی که برای خود دارند، امروز همگی در تلاشند که طبقه کارگر را زیر پرچمی ببرند که از رفسنجانی، خاتمی، موسوی، گنجی، رهورد و سازگارا تا طبقه متوسط و تا احزاب و جریانات فوق را زیر یک سقف جمع کرده است. از نظر همگی این مهم است چون این تنها راه به پیروزی رسیدن انقلاب "ضد دیکتاتوری" راه کارگر و اکثریت، "انقلاب" در جریان حزب کمونیست کارگری، انقلاب سبز موسوی و انقلاب برای دموکراسی جمهوری خواهان است. طبق این جهت و بر مبنای چپ ترین مفسرین و احزاب مدافع این "انقلاب"، در اول مه کارگر کمونیست باید روی چهارپایه رفته و در اهمیت این "انقلاب" سخنرانی کند، باید طبقه کارگر را سرزنش کند که در لحظات حساس "انقلاب" جاری به نماز جمعه رفسنجانی و روز عاشورا و قفس رفته و امروز برای جبران این "کم کاری" و "تا هوشیاری" خود، اول مه را به عاشورا و نماز جمعه تبدیل کند.

کل تلاش این صف این است که انقلاب کارگری مسخ شود. بدون مسخ انقلاب کارگری محال است بتوان طبقه کارگر را به سیاهی لشکر جنگ بخشهای مختلف بورژوازی تبدیل کرد.

اول ماه مه روز عاشورا و قفس و حلقه ای از انقلاب سبز نیست. اول مه روز جشن جهانی کارگران، روز اجتماع آنان برای بالابردن اتحاد خود، شناختن خود به عنوان یک طبقه جهانی، شناختن تمایز خود و تمایز جنبش خود از همه طبقات دیگر و جنبشهای یوگسلاوی و ارمنستان و آذربایجان و افغانستان تا عراق و قزاقستان و... است. اول مه روز اعلام ادعای طبقه کارگر علیه کلیت نظم موجود، روز اعلام عزم طبقه کارگر برای پایان دادن به بردگی مزدی است. این از ابتدائی ترین داده های جنبش خودآگاه و کمونیستی طبقه کارگر است.

اگر طبقه کارگر ایران در اول مه امسال موفقیتی داشته باشد نه شرکت در "انقلابی" که در جریان است، نه پیوستن به صف جنبش سیاسی سبز است که تاچریسم را در ایران نمایندگی میکند و هویت ضد کارگری و لخت و عریان آن بسیار عیان است، بلکه در شناختن آن و در ریختن توهمات و غباری است که به همت چپ بورژوازی حول آن ایجاد شده است. اگر اول مه دستاوردی داشته باشد، باید نزدیک کردن کارگران به هم، بالا بردن اتحاد آنها و خودآگاهی آنان نه تنها در مقابل جناح حاکم که در مقابل همه جنبشهای ارتجاعی و جناح سبز بورژوازی ایران است.

اولین دستاورد اول مه باید بالا بردن خودآگاهی طبقه کارگر به این واقعیت است.

تلاش اینگونه انقلابات، بر دوش مردم ناراضی و معترض که در نهایت جنحی از بورژوازی را به قدرت رسانده است کم نیده ایم. شرکت مردم محروم در انواع تحركات توده ای، اعتراض برحق آنان به دولتها و طبقات حاکم، یک ذره از ماهیت ارتجاعی آن قیامها و انقلابات کم نکرده است. از یوگسلاوی و ارمنستان و آذربایجان و افغانستان تا عراق و قزاقستان و... شاهد این گونه انقلابات ارتجاعی با شرکت مردم محروم و معترض به امید بهبودی در زندگی بوده ایم. در تمام این انقلابات سهم مردم محروم فداکاری و تلاش و خون و کشته و زخمی و زندان و سرانجام و بعد از پیروزی همان زندگی فلاکتبار اول بوده است. انقلاب و قیامهای توده ای بر دوش آنان پیش رفته است و قدرت میان جناحهای مختلف طبقه حاکم دست بدست شده است. حقانیت مردم در اعتراض، ناراضیاتی برحق آنان سر سوزنی از ارتجاعی بودن ماهیت قیام و انقلابات فوق کم نکرده است.

تلاش بخشهای مختلف بورژوازی چه راست، سبز موسوی، یا چپ، کمونیسم بورژوازی آن برای تبدیل طبقه کارگر و انقلاب آن برای رهائی بشریت، به سیاهی لشکر جنگ بخشهای مختلف بورژوازی و تبدیل اول ماه مه به روز دفاع از انقلاب جاری تلاشی ارتجاعی است، تلاشی در مسخ اول مه، مسخ منفعت طبقه کارگر و انقلاب کارگری است.

اول ماه مه روز اتحاد و اجتماع ...

جانب اعتراضی طبقه کارگر به این جنبش بیبوند؟

اسد گلچینی: این بخش اعظم جریانات که اشاره میکنید نه دغدغه چگونگی پیش بردن زندگی کارگری را دارند و نه در مبارزه سیاسی طبقه کارگر را نمایندگی میکنند. این فراخوان ها مانند فراخوان موسوی و گنجی به کارگران و معلمان است که بروند و به جنبش سبز بیبوندند. سال ۸۸ یکبار دیگر برای این جریانات در داخل و خارج سال بر ملا شدن این واقعیت بود که اینها کارگر برایشان فقرا و گرسنگانی هستند که از سر ناچاری به اعتراض و پرچم بخش ناراضی سرمایه داران و اقتدار ناراضی از حکومت باید بیبوندند، اما برای کارگران آگاه، مستقل نگاه داشتن اول ماه مه و قدرتمند کردن حضور طبقه کارگر در ایران روز هویتی است و این چنین فراخوان

هایی ضرورت مبارزه برای صف آگاه پرولتاریا را صد چندان میکند. سال ۸۸ جنبش سبز پرچم دار این فراخوان و اعتراضات بود و همه جریانات مورد نظر شما تحت عنوان مختلفی که برای آن ساختند کارگران را به شرکت در این اعتراضات فراخوانند و اول ماه مه برای اینها دقیقا به معنای پرمالات کردن جنبششان بوده است باید بوسیله کارگران تامین شود. اول ماه مه درست باید نقطه مقابل این باشد. اول ماه مه باید بسیار آگاهانه تاکیدی بر منافع و پرچم مجزایی باشد که اعتراض کارگران و اتحاد آنها را مستقلا قدرتمند کند. تجمع کيفرخواست کارگران و تجمع هایشان در این روز باید نتیجه اش خود آگاهی این کارگران به تضاد منافع جنبش های بورژوازی جاری و غیر جاری دولتی و غیر دولتی سبز و سیاه و طبقه متوسط و ناراضیان "خیابانی" و آکسیون خیابانی صرف و بی پشتوانه باشد که بسیار روشن است نفعش به

جیب کارگران و اتحادشان نمایند. این خود آگاهی در اول ماه مه ۸۹ مهمترین پیشروی طبقه کارگر و رهبران و فعالین آن میتواند باشد.

کمونیست هفتگی: موفقیت یا شاخص شما برای موفقیت کارگران در این روز چه است؟

اسد گلچینی: شاخص موفقیت کارگران در اتحاد بیشترشان بر علیه وضعیت موجود نظام سرمایه داری و حاکمیتش است. اینکه شاخه های مختلف سرمایه داران و جنبش سبز، و توهم به پرچم آنها، و توهم به اینکه "توده ها" رهبر اعتراضات را دارند، و "انقلاب" به همین ترتیب است که صورت میگیرد، و در نتیجه کارگران میتوانند از قیل آن قدرتمند شوند، به عنوان بزرگترین عوامفریبی سرمایه داران و خرده بورژواهای سیاسی از سوی کارگران آگاه و ویژه کمونیستها باید بر ملا شود. شاخص موفقیت اول ماه مه در این خود

زنده باد سوسیالیسم

اول مه، زنده باد همبستگی و شکل طبقاتی کارگران

هیچوقت امکانات بشریت برای ایجاد کشاند. همزمان جناح سبز جمهوری رفاه و آسایش به اندازه این دوره مهیا اسلامی به نام مبارزه با استبداد به نبوده است، هیچوقت سطح تکنیک و کمک طیف وسیعی از نیروهای سیاسی ثروت و دارائی در دنیا به اندازه امروز از جریانات راست تا چپ بورژوازی وجود نداشته است. اما هیچوقت فاصله تلاش کردند با شعار همه با هم و طبقاتی و درجه محرومیت انسان از انقلاب مردمی طبقه کارگر را به امکانات موجود اینقدر زیاد نبوده است.

با این وصف بورژوازی در سطح جهان هر روز تلاش میکند دامنه اقتدار خود بر ثروت و دارائیها و امکانات موجود را در خدمت سرمایه داران و علیه طبقه کارگر افزایش دهد. سال گذشته سال تعرض بورژوازی در سراسر جهان به سطح معیشت طبقه کارگر، سال بیکارسازی و اخراج و زدن حداقل هائی بود که در نتیجه دهها سال مبارزه این طبقه در کشورهای صنعتی دنیا بدست آمده بود.

بورژوازی جهانی برای مقابله با بحران اقتصادی خود حمله ای وسیع را به طبقه کارگر جهت ارزانتر کردن نیروی کارش و تامین سود بیشتر، به قیمت خانه خرابی و تحمیل بیکاری و فقر و محرومیت این طبقه را آغاز کرد. همزمان بیلیاردها دلار به بانکها و مراکز تولیدی اختصاص یافت تا بتوانند خود را سرپا نگهدارند. میزان پولی که در همین یک سال به جیب بانکداران و صاحبان سرمایه ریخته شد، میتوانست کل بشریت را از فقر و محرومیت نجات دهد.

سال گذشته طبقه کارگر ایران یکی از سیاهترین دوران خود را گذارند. در این سال جدا از زندان و شکنجه و دستگیری فعالین کارگری، اخراج و بیکارسازی، عدم پرداخت مزد روزانه کارگران، گرانی و تورم، نداشتن حق تشکل و تجمع، همراه با پراکندگی و انشقاق درونی، طبقه کارگر ایران را در شرایط غیر قابل تحملی قرار داد.

سال گذشته در عین حال سالی بود که جناحهای جمهوری اسلامی در جنگ و جدال درونی خود تلاش کردند مثل همیشه با فریب و نیرنگ، با تبلیغات مسموم و با کارگر پناهی، طبقه کارگر را به زیر پرچم خود بکشند و از نیروی این طبقه در خدمت تامین منافع خود استفاده کنند. جناح احمدی نژاد به نام مقابله با فساد اقتصادی، به نام دفاع از مردم محروم و مبارزه با دزدی و فساد، بخشی از هم طبقه ایهای ما را به زیر پرچم سیاهترین جریان تاریخ ایران و ضدکارگری ترین جنبش سیاسی

کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد اول ماه مه!



اول مه امسال روز اجتماعات وسیع کارگری در کارخانه و محله و شهر و... باشد.

طبقه کارگر تنها با اتکا به اتحاد و تشکل های طبقاتی خود، تنها با بالا بردن خودآگاهی صفوف خود و با درک توان و قدرت طبقه کارگر به عنوان یک طبقه واحد، به عنوان بخشی از یک طبقه جهانی در مقابل سرمایه داری به عنوان یک طبقه واحد حاکم، میتواند صفوف خود را آماده کند و اتحاد خود را بالا ببرد. اول مه و همه تلاشهای ما در این مناسبت باید قدمی در راه این خودآگاهی و بالا بردن اتحاد صفوف کارگران و ایجاد همبستگی در میان آنها باشد. اول مه میتواند سرپلی باشد برای ایجاد پیوندهای ادامه دار میان فعالین و رهبران کارگری برای پیشبرد اعتراض روزانه و نبردی که در جریان است، برای بهبودی در زندگی خود و بستن سدی در مقابل بورش بورژوازی به طبقه کارگر و به کل جامعه.

شعبور جنگ طبقاتی را بورژوازی ایران با زدن سوسیدها، با کار موقت و با باز گذاشتن نست کارفرمایان در اخراج کارگران، با دستمزد ناچیز و تورم بالا، با زندان و اخراج کارگران مبارز و با هزار برنامه ضدکارگری به کمک ارتش و سپاه و مراکز پلیسی و اطلاعاتی، به کمک مسجد و دادگاه و قانون کار و بقیه دستگاههای سرکوب خود آشکارتر از هر زمان نواخته است.

زنده باد همبستگی و تشکل طبقاتی کارگران

آزادی، برابری، حکومت کارگری

۱۲ فروردین ۱۳۸۹ - اول آوریل ۲۰۱۰

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید



کارگران جهان متحد شوید!